



نگاه کلی بر منازعات در کلمبیا

استخدامی است یعنی مسئولیت خدمات امنیتی قاچاقچیان را به عهده دارند و یا مستقیماً خود در قاچاق دست دارند. برای تضعیف قدرت این گروه‌ها، حکومت از سال ۱۹۹۸ بودجه نیروهای مسلح را افزایش داد و ادعا کرد که پیروزی نظامی نزدیک است.

بیجاشدگان؛ پیدا و پنهان

مهاجرت‌های اجباری همواره یکی از پدیده‌های شومی است که از خشونت‌ها و جنگ‌ها پدید می‌آید. کلمبیا نیز از تجربیات تلخ مهاجرت‌های اجباری در امان نمانده است. در طی دو دهه گذشته، صدها هزار شهروند کلمبیایی به خاطر خشونت، خانه‌ها و دارایی‌هایشان را ترک کرده و اجباراً از قریه‌ها به حومه شهرها کوچانده شده‌اند. براساس آمارهای ارائه شده، از ۴۴ میلیون جمعیت کلمبیا بیشتر از ۳ میلیون در داخل این کشور بیجا شده‌اند.

مهاجرت‌های اجباری که یکی از مصادیق بارز نقض حقوق بشر به حساب می‌آید، پیامدهای منفی بسیاری دارد. از جمله می‌توان، تغییر در مالکیت و استفاده از زمین را نام برد. بدینسان مزارع خرد به تجارت محصولات کشاورزی در مقیاس بزرگ تبدیل می‌شود و اتحادیه‌های دهقانی جای‌شان را به دهقان‌ها می‌دهند. طبق بررسی‌ها، در حدود ۳ تا ۷ میلیون هکتار زمین در اثر بیجاشدگی، به طور غیرقانونی ضبط و استفاده شده است. منازعات مسلحانه روندی است که تأثیراتش برای مدت‌های مدید باقی می‌ماند. به همین منوال تأثیرات بیجاشدگی و مهاجرت اجباری در کلمبیا در زمان منازعه مسلحانه، در سطوح طبقه متوسط و بالای جامعه در شهرهای بزرگ و اصلی پنهان باقی مانده است.

نیروهای چریکی؛ شرکای گریزان از صلح

نیروهای چریکی در سال ۱۹۸۹ به زندگی عادی برگشتند. یعنی زمانی که حکومت در سال ۱۹۸۹ قرارداد صلح با گروه "ام-۱۲" نیروهای چریکی امضا کرد و این قرارداد به قبول کردن قانون اساسی جدید در سال ۱۹۹۱ و اشتراک نیروهای چریکی در زندگی سیاسی منجر گردید. حکومت کلمبیا در اواخر دهه ۱۹۹۰ گفت‌وگوی صلح را با نیروهای مسلح و انقلابی کلمبیا و نیروهای آزادی‌خواه ملی رهبری کرد، اما به توافق نهایی نرسید. همچنین چندین توافق صلح دیگر با گروه‌های خرد یا متلاشی شده نیروهای چریکی با شکست مواجه شده است.

نیروهای مسلح و انقلابی کلمبیا و نیروهای آزادی‌خواه ملی گروه‌های فراری و تحت تعقیب هستند؛ آنها کنترل قلمروی را که قبلاً در اختیار داشتند، فعلاً از دست داده‌اند. چهار عضو رهبری نیروهای

کلمبیا کشوری است که طولانی‌ترین منازعات مسلحانه را در نیم‌کره غربی تجربه کرده است. امواج پی در پی جنگ بین نیروهای چریکی، حکومت و نیروهای شبه‌نظامی سبب از دست دادن زندگی افراد زیادی شده است و حکومت قانون را ضعیف کرده است. این کشور با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کند. این مشکلات از مرزهای در حال تغییر بین قاچاق مواد مخدر و جرم‌های سیاسی شروع و تا پافشاری‌های مقامات حکومتی بر مقابله با تروریسم ادامه می‌یابد. این مشکلات، نابسامانی‌های زیادی را برای مردمی که خواهان مسئولیت‌پذیری در قابل نقض حقوق بشر در گذشته و همچنین احترام به حقوق بشر هستند، به وجود آورده است.

یک منازعه طولانی

کلمبیا جزو کشورهایی است که منازعات مسلحانه را تجربه کرده است. این کشور بیشتر از چهل سال است که با منازعات مسلحانه سختی روبرو است. منازعاتی که در نتیجه جنگ داخلی و جرایم سازمانی به وجود آمده است و متأسفانه فعلاً نیز همچنان در حال افزایش است. البته این منازعات در اطراف بازار مواد مخدر به وجود آمده است. اثر به جای مانده از منازعات مسلحانه عبارتند از قتل، کوچ‌های اجباری، شکنجه، تجاوز جنسی، مفقودالاث‌شدن افراد، آدم‌ربایی و اخاذی که فعلاً به یک عملکرد عادی اجتماعی تبدیل شده است. با وجود جنایت‌های گسترده ضدبشری در این کشور، کلمبیا دارای برجسته‌ترین سیستم قضایی نسبتاً پایدار و چهارچوب پیچیده قانونی و قضایی در امریکای لاتین است. البته نخبه‌های سیاسی و اجتماعی در منازعه و تناقضات کمتر نقش داشته‌اند.

در کلمبیا گروه‌های زیادی به فعالیت پرداخته‌اند. به طور مثال، نیروهای چریکی، گروهی است که در طی دهه ۱۹۶۰ از بین دهقان‌ها و شورشیان کمونیست رشد کرده است. گروه دیگر عبارتند از نیروهای مسلح و انقلابی کلمبیا و نیروهای آزادی‌خواه ملی. گروه‌های شبه‌نظامی جناح راست در همدستی با مقامات رسمی با این شورشیان به مقابله پرداختند. در اواخر دهه ۱۹۹۰ این شبه‌نظامیان در عرصه‌های نظامی و سیاسی ادعای استقلال کرده و از شکل‌گیری یک سازمان ائتلافی جناح راست به نام گروه‌های متحد دفاعی کلمبیا خبر دادند.

گروه‌های مذکور متکی به اقتصاد مواد مخدر هستند. یعنی مواد مخدر منبع اقتصادی آنان را تشکیل می‌دهند و از راه مواد مخدر مصارف و هزینه‌هایشان را تأمین می‌کنند. این گروه‌ها به نحوی ارتباط مستقیم با مواد مخدر دارند. ارتباطشان به شکل ارتباط کاری و

مسلح و انقلابی کلمبیا در سال ۲۰۰۸ به قتل رسیدند. طی عملیات‌های نظامی، تعداد زیادی از گروگان‌های برجسته که در اختیار آنها بودند، آزاد شدند. اما با آن هم، این گروه‌ها تا هنوز متحرک باقی مانده‌اند و رهبران نیروهای چریکی از وارد شدن در پروسه صلح امتناع می‌ورزند.

احیای دوباره امنیت ملی

آلوارو یورایب در سال ۲۰۰۲ به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد. وی پالیسی "امنیت دموکراتیک" را بنیان نهاد و منابع را برای جنگ بسیج کرد. سپس با پشتیبانی نیروهای ایالات متحده امریکا اردوی کلمبیا را تجهیز کرد و مورد بهره‌برداری قرار داد. او توانست که کنترل مناطق مهم کشور را به دست گیرد. این عملیات سبب شد تا نیروهای مسلح و انقلابی کلمبیا را در مقام دفاعی قرار دهد. این عملکردها موجب گردید تا محبوبیت عمومی رئیس جمهور یکباره تغییر کند و مورد حمایت مردم قرار گیرد. بعد از این که کنگره کلمبیا قانون اساسی را اصلاح کرد تا وی بتواند بار دوم به مدت چهار سال رئیس جمهور شود، وی به طور موفقانه در انتخابات ۲۰۰۶ شرکت کرد.

یورایب در طی مبارزات انتخاباتی ۲۰۰۶ اعلان کرد که با گروه‌های شبه‌نظامی به توافق خواهد رسید تا با هم صلح کنند. سپس اداره تحت رهبری وی مذاکرات صلح را روی دست گرفت و اعلان کرد که این گروه‌ها پذیرفته‌اند تا سلاح‌هایشان را به حکومت تسلیم دهند. از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ بیشتر از ۳۰۰۰۰ جنگجو، جنگ را رها کردند و به پروسه صلح و خلع سلاح پیوستند. یکی از دلایل پیوستن جنگجویان به کاروان صلح، وعده‌ای بود که حکومت به آنها داده بود. یعنی جنگجویان از مردم عذرخواهی عمومی کنند و مدت حبس فرماندهان سطح متوسط و سطح بالا را که به جرایم بزرگ متهم‌اند، کاهش بدهند.

با آن که ثابت شده است که فرآیند ختم جنگ ناقص است و چندین گروه شبه‌نظامی دوباره به وجود آمده است، اما با آن هم، فرآیند اصلی کیفی زیر نظر قانون عدالت و صلح تأسیس شده است و مدارک ثبوت جرایم شبه‌نظامیان و گروه‌هایی که با مقامات و سازمان‌هایی که با دولت ارتباط داشته‌اند جمع‌آوری شده است. اما در این راستا فقط ۱۵۰ دوسیه از شبه‌نظامی‌ها به کار انداخته شده است ولی هیچ یک از دوسیه‌هایی که از سال ۲۰۰۶ شروع شده بود تا هنوز به پایان نرسیده است.

حکومت کلمبیا در ماه می ۲۰۰۸ در اجرای فرآیند حقیقت‌یابی و تطبیق عدالت، یک گام به عقب رفت. زیرا که ۱۵ شبه‌نظامی را که از این جمله ۷ تن آنها فرماندهان عالی رتبه بودند، به ایالات متحده امریکا به اتهام قاچاق مواد مخدر تحویل داد. سپس در اکتوبر ۲۰۰۸ قاضی‌های دادگاه فدرال امریکا دو تن از آنها را به بیشتر از ۲۰ سال زندان محکوم کردند. بعد از دریافت حکم، یکی از این فرماندهان اعلام کرد که دیگر با دولت کلمبیا برای برقراری صلح همکاری نمی‌کند.

حکومت قانون

حکومت کلمبیا با آن که درگیر منازعات مسلحانه است، اما دارای نهادهای خوب عدلی و قضایی مبتنی بر قانون می‌باشد. در سال ۱۹۹۱ قانون اساسی به تصویب رسید که استقلال دستگاه قضایی را تأمین می‌کرد و همچنین موادی که بررسی و متعادل ساختن قوه اجرائیه را نیز در بر داشت. از ۱۹۹۱ بدینسو دادگاه قانون اساسی، قانون اساسی را بیشتر توسعه داده است و بر اساس آن حقوق قربانیان خشونت‌های حقوق‌بشری مورد تأیید قرار گرفته و از آزادی‌های فردی محافظت کرده است.

قانون‌گذاران جزایی عموماً تعهدات بین‌المللی را نیز در نظر می‌گیرند. علاوه بر این، چندین قانون وجود دارد که کاملاً درباره حقوق قربانیان است و از حقوق بیجاشدگان داخلی محافظت می‌کند و به دنبال آن است که با کوچ اجباری مقابله کند. اما در اکثر بخش‌ها، فاصله زیادی بین قانون و اجرای آن در این کشور وجود دارد. سیستم قضایی کلمبیا پیشرفته‌تر از سیستم قضایی کشورهای نیم‌کره غربی می‌باشد. محورهای رسیدگی قضایی در این سیستم، عبارتند از فیصله منازعات پیچیده مسایل اجتماعی - از سقط جنین گرفته تا حق اقلیت‌های جنسی و جنایات جنگی - برخورد با جرایم ضدبشری در گذشته، جبران خسارت و تأدیه غرامت. بعضی قضیه‌های نقض حقوق‌بشری که به دستگاه قضایی جرایم ارجاع می‌گردد و یا شامل فرآیند پرداخت غرامت می‌شود، از تطبیق شدن عدالت بهره‌مند می‌شوند. مقامات قضایی و عدلی کلمبیا موفقانه توانستند مقامات فاسد حکومتی، حلقه‌های جرمی، سردسته‌های اوباش‌ها، مقامات نظامی و اعضای گروه‌های مسلح غیررسمی را به دادگاه بکشاند. به طور مثال دادگاه عالی، دست به تعقیب بیش از ۶۰ تن از اعضای پارلمان زد که آنها متهم به همکاری با رؤسای شبه‌نظامیان و در بعضی موارد متهم به قتل و آدم‌ربایی بودند و با رئیس جمهور یورایب رابطه نزدیک داشتند. در نتیجه تعدادی از این افراد بی‌گناه و تعداد دیگر هم گناهکار شناخته شدند. در عین حال، این موفقیت‌ها نسبت به فساد گسترده‌ای که وجود دارد کم بوده و معافیت از مجازات برای دیگر تجاوزات و حمله‌های خشونت‌بار پیاپی، علیه حکومت و قانون نیز قابل مشاهده است.

جامعه مدنی

کلمبیا دارای نهادهای مدنی قوی و در عین حال پیچیده‌ای می‌باشد. این نهادها سازمان‌دهی، شامل سازمان‌های حقوق‌بشر، نهادهای مدافع صلح، نهادهای مددکار اجتماعی، مدافعین حقوق زن و مراکز تحقیقاتی و علمی می‌شود. البته مانند تعداد زیادی از کشورهای لاتین، سازمان‌های مذهبی نیز نقش مهمی را در مسایل مربوط به صلح و حقوق‌بشر ایفا می‌کنند.

درباره مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی (ICTJ): مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی نهادی است که در راستای تأمین عدالت انتقالی فعالیت می‌کند. این نهاد، کشورهایی را که می‌خواهند برای تأمین صلح دوامدار و تطبیق عدالت بالای جرایم ضدبشری گذشته فعالیت کنند، کمک می‌نماید. محل فعالیت این مرکز، جوامعی است که از حکومت‌های سرکوب‌گر و یا نزاع‌های مسلحانه رهایی یافته‌اند و یا این که در آن کشورها دموکراسی، تازه پایه‌گذاری شده است و هنوز با مشکلات باقی مانده از گذشته اعم از نقض وسیع عدالت و تخطی‌های سیستماتیک حقوق‌بشری دست و پنجه نرم می‌کنند. برای دریافت اطلاعات بیشتر در مورد این سازمان به آدرس www.ictj.org مراجعه نمایید.

درباره دیده‌بان افغانستان: دیده‌بان افغانستان یک نهاد مدنی افغانی است که دورنمای آن را رسیدن به یک جامعه دموکراتیک، امن، بردبار و برخوردار از عدالت که تمامی شهروندان بتوانند از فرصت‌های مساویانه برخوردار باشند، تشکیل می‌دهد. رسالت این نهاد، انجام فعالیت‌هایی می‌باشد که باعث بهبودی صلح، عدالت و فرهنگ هم‌دیگرپذیری و احترام گذاشتن به حقوق‌بشری در افغانستان می‌شود. تعهد قوی به دموکراسی، عدالت، حقوق‌بشر، انکشاف متوازن اجتماعی و اقتصادی کشور، بی‌طرفی، استقلال و تخصص به عنوان رهنمود فعالیت‌ها و ارزش‌های محوری سازمان می‌باشد. برای معلومات بیشتر در مورد دیده‌بان افغانستان به این وبسایت مراجعه کنید: www.watchafghanistan.org